

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۳۱ جولای ۲۰۲۲

"بزک بزک نمیر که جو لغمان می رسد!" باز هم در باب مسدودماندن مکاتب دخترانه، اما از بعد دیگر

شنبه - ۰۸ اسد ۱۴۰۱ - کابل: از طریق رسانه ها مطلع شدیم که چند تن از هیأت همراه "مفتی تقی عثمانی"، بعد از ختم سفر و رسیدن به پاکستان، در آنجا با رسانه های داخلی پاکستان تماس گرفته، گفته اند که حین مسافرت در افغانستان از طالبان خواسته اند تا درب مکاتب دختران دوره های متوسطه و عالی را نیز بر روی آنها باز نمایند. از جمله دو تن از آنها ادعا دارند که مثابه استدلال یکی از او خواهرزاده اش که اینک در اردوی پاکستان جنرال است و دیگر از همسرش مثال آورده اند. بعد از این داستانسرائی آنها افزوده اند که امارت اسلامی وعده داده است که عنقریب درب مکاتب دختران برای صنوف ۷ الی ۱۲ را نیز خواهند گشود. فلم هندی با رسیدن دختر و بچه فلم به همدیگر ختم شد- دریادداشت امروز مکث کوتاهی در همین زمینه منتهی از منظر دیگری خواهیم داشت:

۱- این که طالب و نظام ملاسالار وعده سپرده اند که عنقریب درب مکاتب دختران را خواهند گشود، با در نظر داشت تکرار این وعده ظرف ۱۱ ماه گذشته و خلف مکرر آن، چیزی بیشتر از همان ضرب المثل "بزک بزک نمیر که جو لغمان می رسد" نیست. یعنی نظام ملاسالار برای این که به مردم فریبی خودش ادامه دهد و از کردار ضد منطق و برهانش حتا در دین فاقد منطق اسلام مجبور به دفاع نباشد، با یک وعده "سرخرمن"، دروغگوئی و فریبکاری را نیز بر جنایتش می افزاید.

۲- چلی ها و ملاهای پاکستانی، با انداختن و رسانه ئی ساختن این بحث می خواهند چند پیام را به خواننده القاء نمایند:
*- اول این که ملاهای پاکستان با ملاهای افغانستان متفاوت اند و برداشت های آنها از اسلام و قرآن نیز متفاوت می باشد؛

*- در ثانی ملای پاکستان این عمل طالب و نظام ملاسالار را اسلامی نمی داند در غیر آن از آنها نمی خواست تا خلاف عملکرد کنونی شان، در آینده عمل نمایند؛

*- از همه مهمتر رابطه استادی- شاگردی بین آنها تا هنوز پا برجاست و حق دارند تا در اجرای امور به آنها دستور و هدایت صادر نمایند.

۳- و اما برخورد طالب در قبال قضیه:

*- طالب هرگاه عملکردش را مطابق به "چوکات اسلامی" که در پناه آن تمام جنایان شات را انجام داده و می دهند، می دیدند، نباید در مقابل خواست چند ملای پاکستانی سرتعظیم فرودآورده و عده بازگشائی مکاتب را می دادند، عکس آن بر مواضع اسلامی شان پای فشرده، دولت و ملای پاکستان را به تخطی از دستورات اسلام متهم می ساختند؛

*- گیریم که مسأله شرعی هیچ در میان نباشد، طالب اگر حتا در حد "حامد کرزی" غیرت و همت می داشت به تبعیت از وی که زمانی به پاکستانی ها گفته بود "چون به میدان آمدی می دانی یم"، به ملاهای انگلیس پرور پاکستان که تا حال در مقابل بیرق ساخت انگلیس سر فرود می آورند، به جای دادن وعده صریحاً می گفت که به تو ارتباط ندارد.

هموطنان گرامی!

این مضحکه و دیالوگ برخاسته از آن، به هر رنگ و جامه ای که پوشانده شود، نمی تواند یک واقعیت را کتمان نماید؛ واقعیت وابستگی برده وار طالب نه تنها به دولت پاکستان بلکه به تمام مدارس و نهاد های ضد ملی و ضد ترقی آن کشور.

هموطنان گرامی!

وقتی این سطور را می نگاشتم و این حقارت را که پاکستان و ملاهای آن برای ما مکاتب را می کشایند نگاشتم، دفعتاً این بیت از لاهوتی به ذهنم خطور کرده، آوای ملکوتی گرامی یاد "احمدظاهر" قلم را از کار انداخت.

"با حقارت گر بیبارد بر سرت باران دُر آسمان را گو برو بارندگی در کار نیست"

[احمد ظاهر— زندگی آخر سر آیدYouTube - Ahmad Zahir....](#)

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!